



# ویژه نامهء شکراله پاکنژاد



شرح حال ( « باختر امروز » )

اسامی افراد « گروه فلسطین » ( « باختر امروز » )

مدافعات ( « ایران لیبرتی » )

فرد هالیدی : دربارهء پاکنژاد و مضاجبه ای با او ( « کانون هنرمندان ایرانی در تبعید » )

پاکنژاد: ازدها آخرین دژهای خود را از دست میدهد ( « آزادی » )

پاکنژاد: دفاع از مردم در برابر دیکتاتور ( « آزادی » )

هدایت متین دفتری : شکری و « جبهه تاریخی » ( « شورا » )

مسعود رجوی : به یاد پاکنژاد ( « شورا » )

مهدی سامح : شکری ( « ایران لیبرتی » )

# باختر امروز

« جريدة باختر امروز »  
نشرة  
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية  
في الشرق الاوسط  
العدد اربع والتلاتون  
السنة الثالثة  
آذار ١٩٧٣  
المرحلة الرابعة

مؤسس : شادروان دکتر سيد حسين فاطمی  
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
« بخش خاورمیانه »

شماره 8 ، سال اول ، دوره چهارم ، بهمن 1349

BAKHTAR EMROOZ

Vol. IV, No 8

Jan. 21 — Feb. 21, 1971.

## گرمر و آزادگان دریند روسپی نامردمان پرکار

بیش از یکسال پیش رژیم شاه یسازده نفر از روشنفکران انقلابی ایران را که برای پیوستن به انقلاب فلسطین قصد داشتند از ایران خارج گردند در مرز ایران و عراق دستگیر کرد و در رابطه با اینها بسیاری در را که از جمله ۱۸ نفر از این آزادیخواهان در یک دادگاه نظامی در بسته با اصطلاح محاکمه و به حبسهای گوناگون محکوم گشتند

طی این محاکمات که در دو مرحله انجام گردید چند متزلزل سست عنصر نتوانستند دشواریهای مبارزه را تحمل کنند و پشت به خلق کردند . اینان در عین اینکه تسلیم شدنشان کوچکترین تأثیری در جریان مبارزه مردم ما نمیتواند داشته باشد و ذره‌ای در مسیر مبارزات توده‌ها به حساب نیاید ، همچون هر مرتد دیگر از صف مردم رانده میشوند و در کنار اینان است که قهرمانی دلاوران تسلیم نشناس چون خورشید رخشنده‌ای چشم خفاشان ظلمت پرست را کور میکند و حماسه نیرومندی ایمانشان شکوه‌مندی و برحق رهاشان را نشان میدهد .

این فرزندان دلیر خلق هم اکنون در چنگال رژیم خون آشام شاه اسیرند ، و این وظیفه همه نیروی خلقی و سازمانهای دمکراتیک است که از زندانیان سیاسی مردم خود تا حد امکان دفاع کرده ، آنان را میتوانند در مبارزات خود سرمشقی باشند به دیگران بشناسانند . شناساندن این دلاوران و دفاع از آنها آنان جدا از مبارزه برای رهائی خلق و آزادی ایران نیست . اینها کاملاً به هم آمیخته اند ، چرا که این فرزندان خلق اند و در دامان خلق پرورش یافته اند . از منافع زحمتکشان حمایت کرده‌اند و جبهه توده‌ها انتخاب نموده اند ، و بخاطر پیوند عمیقشان بسازحمتکشان و درگیری با دشمنان آنان بوده است که زندان اقتاده اند .

ما از این پس در هر شماره ۰۰ باختر امروز ۰۰ یک یا دو نفر از این پیشگامان راه آزادی فردا را معرفی میکنیم .

# شکرالله پاک نژاد



## سیمرغ قله های کبودم که آفتاب هر بامداد بوسه نشاند به بال من

شکرالله پاک نژاد ۲۹ سال پیش در خانواده‌ای فقیر در دزفول متولد شد. از همان دورانی که در دبیرستان تحصیل میکرد نمیتوانست در برابر زورگویی و بی عدالتی آرام و بی تفاوت بماند. عشق او به توده‌های زحمتکش و علاقه‌اش به زندگی آنها، او را وادار میکرد که همیشه در موضع آنها قرار بگیرد. او بیشتر وقت خود را بین آنها میگذراند و از آنها یاد میگرفت و به آنها یاد میداد. شهر دزفول که بوسیله دو سه خانواده فئودال استثمار میشد با مردم فقیر و زحمتکشش برای پاک نژاد دانشکده‌خوبی بود. او در این دانشکده واقعی درس زندگی را آموخت و با غم و درد مردم عمیقاً آشنا گشت و زندگی‌اش برای همیشه با آنها پیوند خورد. در سال ۱۳۳۹ وارد دانشکده حقوق شد. در این سال جنبش طبقات زحمتکش و در پیشاپیش آنان قشر دانشجویی مرحله اوج گیری رسیده بود. پاک نژاد بمحض ورود به دانشگاه در موضع جنبش قرار گرفت و بعلافت فعالیت‌های وسیع پیگیری که در امر مبارزه علیه دیکتاتوری شاه از خود نشان داد، بزودی توانست مسئولیتهای مهمی در سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی بعهده بگیرد. از همان سال تا سال ۱۳۴۲ که او از دانشگاه اخراج کرده و بیسرخانه گسیل داشتند یک لحظه دست از مبارزه نکشید، بارها بازداشت شد و بزندان افتاد، بارها مورد شکنجه وحشیانه مامورین قرار گرفت ولی هیچگاه نا امید نشد و از اعتقاد خود بر نکشت. او به نیروی لایزال خلق ایمان داشت و همین امر بود که او را در هر شرایطی مبارزه‌وار میداشت. پاک نژاد در مبارزه به خاطر مردم از همه چیز خود میگذشت و هیچ چیز جز حقانیت آنها برایش مهم نبود. در تظاهرات اول بهمن ۱۳۴۰ که ماموران ساواک و کماندوهای چتر باز وحشیانه به دانشگاه هجوم بردند، بقصد کشت او را زدند بطوریکه

بعدها ناچار شدند خود بیکر تقریباً نیمه جانش را به بیمارستان برسانند، ولی پاک نژاد عصر همان روز پس از کمی بهبودی نسبی از بیمارستان فرار کرد و از فردای آن روز باز مبارزه را از سر گرفت.

در سال ۱۳۴۲ او را به بهانه «اخلال» از دانشگاه اخراج کرده و به سرپازخانه فرستادند. (چندی است عوامل رژیم شاه دانشجویان مبارز را به بهانه «اخلالگری» به سرپازی میفرستند. آنها بزعم خود میخواهند به این طریق شخصیت دانشجویان را خرد کرده در محیطی به اصطلاح نامتجانس آزارش دهند) لیکن پاک نژاد که از مردم بود و به راحتی با توده‌ها مختلور میشد در آنجا نیز سرپازان را به خود جلب نمود و بسیاری از دوستان خویش را از میان همان سرپازان ساده انتخاب کرد. او در محیط خفقان آور سرپازخانه نیز تا آنجا که میتوانست از شرایط استفاده کند مبارزه میکرد و به همین جهت سرپازخانه هم برای او زندان و شکنجه داشت.

دو سال ناراحتی و مشقت و شنیدن همزادان توهین و ناسزا از فرماندهان سرپازخانه نه تنها نژاد را در روحیه او بوجود نیآورد بلکه او را آبدیده تر و آگاه تر و مصمم تر ساخت. بعد از سرپازی بعلافت فروکشی مبارزه تصمیم گرفت تحصیل نیمه تمام خود را پایان رساند، و بالاخره در سال ۱۳۴۷ از دانشکده حقوق رشته علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. او برای امراد معیشت خود مدتی دنبال کار گشت و بالاخره در زمستان ۴۷ در سازمان بیمه های اجتماعی بطور موقت مشغول کار شد. ولی پس از چند ماه بعلافت روشن شدن سابقه سیاسی اش برای اولیای اداره عذر او را خواستند. بعد از مدتی بیکاری و دنبال کار گشتن در سازمان برنامه باز بطور روز مزد استخدام شد. کار او مطالعه در روستاهای ایران و تهیه پرسشنامه هائی برای این اداره بود. بدیهی است که او اعتقادی به صحت محتوی این پرسش نامه ها نداشت. به این جهت خود شخصاً در زندگی روستائیان مطالعه میکرد و از آنان میآموخت. او راه جوشیدن با توده ها را خوب میدانست، و بهین جهت آنها زود به او اعتماد میکردند. در هر روستائی چندین دوست خوب در بین همان روستائیان داشت. و همین بود که او را برای رژیم خطرناک میکرد.

در زمستان سال ۱۳۴۸ او و گروهی از همزمانش تصمیم گرفتند برای کمک به خلق قهرمان فلسطین و بیشتر بخاطر کمک گرفتن و کسب دستاوردهائی از تجربیات انقلاب فلسطین مستقیماً در مبارزه مردم آن سامان علیه امپریالیسم و زائده آن صهیونیسم شرکت کنند.

آنان برای رسیدن به فلسطین میبایست از عراق میگذشتند و در همین راه بود که در مرز ایران و عراق اکثراً دستگیر شدند. بعد از دستگیری و اعزام به تهران پاک نژاد و یارانش مورد وحشیانه‌ترین و غیر انسانی ترین شکنجه‌های قرون وسطائی قرار گرفتند. از جمله بقیه در صفحه ۳.

## شکر الله پاک نژاد . . .

دهها نوع شکنجه ای که به پاک نژاد دادند کشیدند ده ناخن انگشتان پاهایش بود . او همه شکنجه ها را قهرمانانه تحمل کرد و مثل پارسا نژاد ، نیکخواه ، منصوری و صبوری تسلیم نشد ، چرا که مردم را با خود میدید ، چرا که به راه مقدس خود و به پیروزی حتمی توده ها ایمان داشت . خود را از خلق میدید و خلق را با خود . در دادگاه فرمایشی رژیم شاه با جسارت تمام از ایدئولوژی انسانی خود دفاع کرد . لایحه دفاعیه خود را طوری تنظیم کرده بود که بطور ضمنی دفاع از دوستانش را نیز در بر میگرفت . رای دادگاه از ابتدا برای او روشن بود ولی او دفاع از خود را یعنی دفاع از عقیده خود را - وظیفه انسانی خویش میدانست . در آخر همانسان که انتظار میرفت این « دادگاه » فرمایشی او را به اشد مجازات ممکن یعنی حبس دائم یا کار « محکوم » کرد او با چهره گشاده و از صمیم دل یک عمر آزادیش را در راه توده ها بخشید ، و برای چندمین بار باز ثابت کرد که در راه خلق از همه چیز خود میگذرد . وجود چنین مبارزی قهرمان در صفوف مبارزین ایرانی مایه افتخار آنهاست اگرچه اکنون او در زندان است اما دوستان و همزمان او مبارزه را ادامه خواهند داد ، مردم بیکار خواهند کرد و پیروز خواهند شد . و این ، همانست که او میخواست و میخواهد .

بخاطر ادامه مبارزه ، بخاطر کوشش برای آزادی پاک نژاد و سایر مبارزین وطنپرست ، بخاطر مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست نشانده شاه صفوف خود را باز هم فشرده تر سازیم .

« جريدة باختر امروز »  
نشرة  
منظمات الجبهة الوطنية الإيرانية  
في الشرق الاوسط  
العدد اربع والثلاثون  
السنة الثالثة  
آذار ۱۹۷۳  
المرحلة الرابعة

# باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی  
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
« بخش خاورمیانه »



شكرانه پاك نژاد

● تعداد مبارزینی که با اتهام تمایل به پیوستن به جنبش فلسطین بدست درخیمان حکومت شاد می افتند در حال تزايد است . ما فریب ۵ ماه پیش طی اعلامیه ای اسامی ۶۶ نفر از این گروه را منتشر ساختیم و سپس در شماره های بعد اسامی بیشتری که میرسید درج میشد . تعداد این افراد تا آنجا که مطلع شده ایم به ۵۵ نفر رسیده است . عده ای از این آزادیخواهان در دادگاه های فرمایشی شاد اخیرا محکوم شده اند . برای عده دیگری تقاضای اعدام و یا حبس های طولانی المده شده است و محاکمه آنها در جریان است و تکلیف عده دیگر هنوز روشن نیست . ما در زیر اسامی دستگیر شدگان را درج میکنیم و به شاه و عمال او اطمینان میدهیم که نخواستیم گذاشت نیات سوری را که در مورد این وطن پرستان دارنده عملی کنند .

گروهی که محاکمه شان در جریان است و دادستان برای آنها تقاضای اعدام یا زندان کرده :

- ۱ - شکرانه پاك نژاد ( لیسانس حقوق ) اعدام
  - ۲ - مسعود بطحانی ( کارگر ) اعدام
  - ۳ - ناصر کاخساز ( قاضی ) حبس ابد
  - ۴ - احمد صبوری ( دانشجوی علوم ) اعدام
  - ۵ - عبدالله کابلی ( دانشجوی کشاورزی ) حبس ابد
  - ۶ - ناصر رحیمخانی ( دانشجوی حقوق ) اعدام
  - ۷ - محمد رضا شانگونی ( حقوق ) ده سال
  - ۸ - هدایت اله سلطان زاده ( فنی ) ده سال
  - ۹ - ابراهیم انزابی ( حقوق ) ده سال
  - ۱۰ - صلابت زنجیر ( دانش آموز ) ده سال
  - ۱۱ - امیر محمد معزز ( دانش آموز ) ده سال
  - ۱۲ - عبدالرضا نواب ( پلی تکنیک ) ده سال
  - ۱۳ - هاشم سنگوند ( ) ده سال
  - ۱۴ - فرشید جمالی ( اقتصاد و پلی تکنیک ) ده سال
  - ۱۵ - ناصر جعفری ( دانش آموز ) ده سال
  - ۱۶ - فرهاد اشرفی ( لیسانس حقوق ) ده سال
- کسانی که در دادگاه های نظامی تا کنون محکوم شده اند :

- ۱۷ - داود ابراهیمی ( کتابفروش ) ۵ سال
- ۱۸ - رضا معتمدی ( حقوق ) ۳ سال
- ۱۹ - محسن طیبی شبستری ( حقوق ) ۳ سال
- ۲۰ - منوچهر برهن ( اقتصاد ) ۳ سال
- ۲۱ - ایرج عتیقی ( بخشدار ) ۳ سال
- ۲۲ - فرهمند رکنی ( ادبیات ) ۲ سال
- ۲۳ - حسین سجادیه ( پزشکی ) ۲ سال
- ۲۴ - غلامرضا زمانیان ( حقوق ) ۲ سال
- ۲۵ - نعمت اله فرهمند ( سپاهی ) ۲ سال
- ۲۶ - اکبر عجایی ( پلی تکنیک ) ۱ سال
- ۲۷ - یرویز ابراهیمی ( پزشکی ) ۱ سال
- ۲۸ - روزبه گلی ( کارگر ) ۲ سال
- ۲۹ - عبدالله خالقی مقدم ( دبیر ) ۸ ماه
- ۳۰ - حسن لطف آبادی ( لیسانس ) ۶ ماه
- ۳۱ - مهدی جامع ( پلی تکنیک ) ۶ ماه
- ۳۲ - منوچهر زادمش ( حقوق ) ۶ ماه
- ۳۳ - ابراهیم حاجتی ( مهندس ) ۲ ماه
- ۳۴ - عزت اله لطیفیان ( بازرگانی ) ۲ ماه
- ۳۵ - قانع ( پلی تکنیک ) تیرته کسانی که هنوز محاکمه نشده اند :
- ۳۶ - ایرج محمدی ( پلی تکنیک )
- ۳۷ - مصطفی کنیائی ( راهنمای سپاهی )
- ۳۸ - فریدون خاوند ( حقوق )
- ۳۹ - ابراهیم نوشیروان پور ( پلی تکنیک )
- ۴۰ - علی رودگرمی ( دبیر )
- ۴۱ - امیر فطانت ( دانشگاه شیراز )
- ۴۲ - سیامک راستی ( سپاهی )
- ۴۳ - فرج اله آقا زاده ( کارگر )
- ۴۴ - رحیم عراقی ( پلی تکنیک )
- ۴۵ - مسعود مخملی ( پلی تکنیک )
- ۴۶ - بهروز آصفی ( علوم )

- ۴۷ - محمد علی الهی پناه ( پلی تکنیک )
- ۴۸ - کتابچی ( پلی تکنیک )
- ۴۹ - عباس حسینیان ( پلی تکنیک )
- ۵۰ - حسن مکارمی ( پلی تکنیک )
- ۵۱ - عظیم گلچین ( پلی تکنیک )
- ۵۲ - عبدالله سعیدی ( پلی تکنیک )
- ۵۳ - بهرام شانگونی ( حقوق )
- ۵۴ - داود صالح دوست ( فنی )
- ۵۵ - عبدالعلی فرزاد ( افسر )